

جایگاه حاتم طائی در شعر سعدی شیرازی

- ^۱ بهمن قادری
^۲ مسعود باوانپوری
^۳ نرگس لرستانی
^۴ حدیثه متولی

چکیده

حاتم طائی یکی از شخصیت‌های برجسته در ادب عربی است که مظهر بخشندگی و سخاوت در نزد اعراب است. دیوان وی سرشار از ارزش‌ها و مفاهیم والای انسانی و اخلاقی می‌باشد. سعدی شیرازی، یکی از سرمایه‌های بی‌بدیل ادبیات فارسی است که دارای اندیشه‌های یکسانی با حاتم طائی می‌باشد. نویسندگان این مقاله تلاش نموده‌اند با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی موجود در شعر این دو شاعر توانمند عرب و ایرانی را مورد بررسی قرار دهند.

کلید واژه‌ها:

مفاهیم اخلاقی، حاتم طائی، سعدی شیرازی

^۱ - دانش آموخته زبان و ادبیات عرب دانشگاه کردستان - ایران.

^۲ - دانش آموخته زبان و ادبیات عرب، واحد اسلام آباد غرب، عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب - ایران. (نویسنده مسؤول)

^۳ - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار - ایران.

^۴ - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار - ایران.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله پژوهش

جریان‌های فکری مشترک در اندیشه‌های ایرانی و عربی، موجب جذب ایرانیان به فرهنگ اسلامی و عربی شد؛ این اشتراک، با معیارهایی چون واقع‌نگری و خردمندی، قابل درک و فهم است و موجب نزدیکی قلب‌ها و ایجاد پیوندهایی تاریخی و فرهنگی، در قالب سلسله‌ای از حلقه‌های متصل به هم می‌شود که اندیشه‌های ایرانی از حلقه‌های اولیه آن محسوب می‌گردد. هر اثر ادبی که خلق می‌شود، منشأیی برای الهام شاعران و نویسندگان بعد می‌گردد. می‌توان گفت که آثار ادبی در طول تاریخ، پیوسته در حال کمال و پویایی می‌باشند؛ شاعران گاهی مضمونی را از شاعران پیشین خود برگرفته و با تغییراتی که در آن پدید آورده‌اند، به بازآفرینی و زیباسازی آن پرداخته‌اند؛ به عبارت دیگر مضمونی واحد با زبانی متفاوت، که خاص هر شاعر است، بیان می‌شود.

یکی از کسانی که در این زمینه با یاری جستن از اندیشه خلاق و بیان جادویی خود به بازآفرینی مضامین شعری گذشتگان پرداخته، سعدی شیرازی است. بی‌گمان او یکی از مشهورترین و برجسته‌ترین نویسندگان و شاعران تعلیمی در ادبیات فارسی است. سعدی شاعری زبان گشوده و عالمی زیسته با مردم و آشنا با انواع شخصیت‌ها و خصوصیات آنها است. بسیاری از مضامین شعری را از شاعران قبل از خود برگرفته و آن را با قدرت اندیشه و قلم توانای خویش تبدیل به سخنی به یاد ماندنی کرده است. از جمله شاعرانی که سعدی تحت تأثیر اشعار و همچنین شخصیت وی بوده و از مفاهیم و مضامین شعری وی استفاده نموده، حاتم طائی، شاعر مشهور عصر جاهلی، است. در این مقاله ابتدا شرح مختصری در مورد زندگی شخصی و ادبی دو شاعر ذکر می‌شود، سپس بازتاب شعر و شخصیت حاتم طائی در دو اثر بوستان و گلستان سعدی با ذکر نمونه‌های شعری در دیوان شعری هر کدام از آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- نگاهی گذرا به شعر و شخصیت حاتم طائی

حاتم بن عبدالله بن سعد بن الحشرج بن امری القیس بن عدی بن أحمز، معروف به «أبأسفانه» و «أبا عدی» از مشهورترین سخاوتمندان و جوانمردان و دلاوران عرب در زمان جاهلیت بود (الاصبهانی، ۱۹۸۳: ۲۷۸). در هیچ کدام از کتاب‌های تاریخی، تاریخ دقیق ولادت وی ذکر نشده اما لوئیس شیخو تاریخ وفات او را سال ۶۰۵ میلادی ذکر کرده که بر این اساس می‌توان گفت که در قرن ششم میلادی زندگی کرده است (شیخو، ۱۹۸۲: ۱۳۴). حاتم از قبیله «طی» بود و قبل از اسلام زندگی می‌کرد. او بسیار بخشنده و باسخاوت بود؛ اعراب هر وقت می‌خواستند کسی را به سخاوتمندی مثل بزنند، او را به حاتم طائی متصف می‌کردند، در ادبیات عرب، او به عنوان شخصیتی محبوب جلوه‌گر است. ابو عبیده می‌گوید: «جوانمردی و بخشش در زمان جاهلیت (قبل از اسلام) به سه نفر منتهی می‌شد: هرم بن سنان، کعبه بن امامه و حاتم طائی» (ابن قتیبه، ۱۹۹۷: ۲۴۷). به موجب همین کرم و بخشش او، داستان‌های زیادی در کتب ادبی مثل اغانی و عقد الفرید و المستطرف آمده و سعدی، شاعر فارسی‌زبان هم، در کتاب گلستان و بوستان خود، چند حکایت از او به شعر درآورده و چند داستان از او نقل می‌کند.

حاتم طائی، اموال خودش را در طول زندگی‌اش بیش از ده بار در میان فقرا تقسیم کرد. یک بار هم از جلو اسرای قبیله غزه عبور می‌کرد، یکی از اسرا به او متوسل شد. حاتم که مال نداشت تا او را آزاد کند، به افراد قبیله گفت او را آزاد کنند و خودش به جای آن اسیر، در بند شد تا زمانی که توانست پول رهایی خود را بدست آورد و آزاد گشت. از این قبیل وقایع، در زندگی او بسیار اتفاق افتاده است. آن طور که نقل شده، بعضی خویشان و نزدیکان او، از جمله مادر حاتم زنی بسیار بخشنده بود. «عدی بن حاتم»، پسر او، که از یاران باوفای حضرت علی علیه‌السلام نیز بود، جوانمرد و سخی بود و «سفانه» دختر حاتم طائی هم، از پدرش جود و سخا را ارث برده بود؛ او زنی بزرگوار بود که زمانی در جنگ قبیله خود با نیروهای اسلام اسیر شد، پیغمبر وقتی از وضعیت او آگاه شد، کسی را مأمور کرد تا او را به سلامت به خانواده‌اش برگرداند (ر. ک طائی، ۱۹۹۴: ۸). حاتم، مهارتی نیز در شعر و شاعری داشته است؛ دیوان اشعار او در سال ۱۸۷۲ میلادی در لندن چاپ شد، موضوع این اشعار بیشتر سخاوت، گشاده دستی و فروتنی است. شعر حاتم بیان

کننده شخصیت اوست و در خلال شعرش همه صفات و خصایل پسندیده‌ای که حاتم به آنها مزین است، از قبیل عزت نفس، کمک و مساعدت، جود و کرم، عفت، وفاداری و ... دیده می‌شود (فاخوری، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

۳-۱- نگاهی گذرا به شعر و شخصیت سعدی شیرازی

سعدی شیرازی، یکی از شاعران توانا و شیرین سخن ایران است. وی در شیراز و در خاندانی که همه از عالمان دین بودند و اهل علم و ادب پا به عرصه هستی نهاد. در مورد تاریخ ولادت وی نظرات مختلفی وجود دارد. ذبیح‌الله صفا پس از مطالعه دیدگاه‌های همه محققان پیش از خود می‌گوید: «تاریخ ولادت شیخ در مآخذ ذکر نشده است، ولی به قرینه سخن در گلستان می‌توان آن را به تقریب در حدود سال ۶۰۶ هجری دانست» (صفا، ۱۳۶۳: ۵۸۹). نامش مشرف‌الدین یا مصلح‌الدین است. هنوز کودک بود که از نوازش دست‌های مهربان پدر بی‌بهره ماند. در سن جوانی به بغداد رفت و در نظامیه، که از دانشگاه‌های مهم علوم دینی آن زمان محسوب می‌شد، به تحصیل پرداخت و از محضر دو استاد بزرگ «ابن جوزی» و «شهاب‌الدین سهروردی» بهره‌ها گرفت (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۱۵).

سعدی یکی از سرمایه‌های بی‌بدیل ادبیات جهانی است که به دو زبان فارسی و عربی اشعاری ماندگار سروده و به این وسیله نام و یاد خود را جاودان کرده است. بوستان و گلستان دو اثر ادبی، ماندگار و گرانسنگ سعدی است که سرشار از آموزه‌های اخلاقی، تعلیمی و حکمی مشابه با اندیشه‌های موجود در اشعار حاتم طائی می‌باشند. شهرت شیخ اجل همانند حاتم طائی مرزها را درنوردید و به دورترین مناطق نیز رسید؛ او که در جوانی نیز به گفته خود شهره آفاق بود، پس از سپری نمودن سفرهای طولانی خویش و پیوستن به دربار اتابک ابوبکر و سرایش بوستان و گلستان به شهرت عظیمی دست یافت.

سعدی علاوه بر شعر فارسی در ادبیات عربی نیز تسلط بی‌چون و چرایی داشت و اقامت و تحصیل او در دیار عرب و مطالعه آثار برخی از شاعران و نویسندگان عرب، موجب شد که اشعار پخته و رسایی نیز در زبان عربی بسراید که بعدها مورد تحسین شعرای عرب زبان نیز قرار گرفت. وی وارث فرهنگی ایرانیان و عرب‌ها بوده و چنان در هم تنیده شده که تشخیص حدّ و مرز آن‌ها دشوار و گاهی غیرممکن شده است.

سعدی شیرازی به عنوان مردی دنیادیده و پخته که در سراسر عمر از فراز و نشیب‌های بسیار گذشته و از محضر بزرگان نیز بهره‌ها برده، آنچه را تجربه کرده، دیده، شنیده و یا خوانده در بوستان و گلستان به تصویر درآورده است؛ به طوری که می‌توان دنیا و شخصیت‌های آن و واقعیت درونی و بیرونی آنها را در بوستان و گلستان آشکارا مقابل خود دید (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

۲- تأثیر شعر و شخصیت حاتم طائی در بوستان و گلستان سعدی

بوستان و گلستان را می‌توان دو اثر تربیتی به حساب آورد، به همین دلیل طبیعی است که سعدی در بیان فضایل اخلاقی، از میراث گذشتگان بهره‌کافی جسته باشد. شخصیت حاتم طائی از یک سو و مضامین موجود در دیوان او از سوی دیگر سبب شده تا شاعری چون سعدی شیرازی به این گنجینه‌گرانهای انسانی التفات تمام داشته باشد. تأثیرپذیری سعدی از حاتم طائی را می‌توان در دو قالب مورد بررسی قرار داد، یکی تأثیر شعر حاتم بر مضامین اخلاقی بوستان و گلستان و دیگری بازتاب شخصیت او در این دو کتاب.

۲-۱- بازتاب شعر حاتم طائی در بوستان و گلستان

شعر حاتم طائی آینه‌ای تمام‌نما از شخصیت خود اوست و به همین علت مضامین موجود در دیوان او در بیان مکارم اخلاقی منحصر می‌شود که همین مضامین در دو کتاب بوستان و گلستان به انواع گوناگون بازتاب داشته است.

۱-۱-۲- کرم و بخشش

حاتم طائی در باب وجود و بخشش می گوید:

أشاورُ نفسَ الوجودِ حتى تُطیعني وأتركُ نفسَ البخلِ، ما أستشيرُها
(طائی، ۱۹۹۴: ۸۹)

ترجمه: با نفس بخشنده خود مشورت می کنم تا از من اطاعت کند و نفس بخیل خود را رها می کنم و با آن مشورت نمی کنم.

حاتم طائی در این بیت شخصیت پردازی می کند و جود را در نفس خویش به منزله انسانی فرض می کند که با او مشورت کرده تا آن را مطیع خود سازد. از سویی بخل درون خود را نیز انسانی فرض کرده که پرهیز از او امری لازم و ضروری است تا به تدریج از او دور شود و آن را در درون خود سرکوب نماید. به نظر حاتم طائی، انسان از بخشش و بخل بهره دارد و مهم آن است که انسان در اثر تربیت صحیح بخشندگی خود را تقویت و بخل خود را تضعیف نماید.

سعدی شیرازی نیز انسان را به جود و کرم دعوت کرده و از بخل و ظلم بر حذر می دارد.
که دستی به جود و کرم کن دراز دگر دست کوتاه کن از ظلم و آز
(سعدی، ۱۳۷۱: ۹۹)

سعدی نیز انسان را به جود و کرم تشویق کرده و معتقد است تنها کسی می تواند دست بخشش و کرم به سوی دیگران دراز کند که این نیرو در او تقویت شده باشد و کسی که بخل و آز را در خود کشته و یا تضعیف کرده است، می تواند خود را از ستم و آز بازدارد.

از طرفی بخشش در انسان حسن مسئولیت ایجاد می کند و انسان بخشنده پیوسته به فکر مساعدت دیگران است، حاتم می گوید:

وانی لاخزی أن تری بی بطنه وجاراتُ بیتی طاویاتٌ ونحفُ
(طائی، ۱۹۹۴: ۷۳)

ترجمه: من خوار و ذلیل می شوم هنگامی که مشاهده کنم که در خوردن افراط می کنم و همسایگانم از گرسنگی لاغر و ضعیف شده اند.

شاعر جاهلی در این بیت به یک نکته مهم اخلاقی و انسانی اشاره می‌کند؛ از نظر او انسان باید در برابر دیگران، از جمله همسایه، احساس مسئولیت کند و آن‌ها را عضوی از خانواده خود بداند. از نظر او انسان بخیل کسی است که نسبت به مال و طعامش حریص باشد و آنها را از مردم منع کند؛ شاعر احساس خفت و خواری می‌کند از اینکه شکم خود را از غذاهای رنگارنگ و لذیذ سیر کند در حالی که همسایه‌اش گرسنه و محتاج باشد. همانطور که پیامبر اکرم (ص) به این مطلب اشاره می‌کند و می‌فرماید: «س.م. من بات شعبان و جارد جائع» «از ما نیست کسی که شب را با سیری به روز برساند در حالی که همسایه او گرسنه است».

سعدی شیرازی این مطلب را این گونه بیان می‌کند:

بمرد از تهیدستی آزاد مرد ز پهلوی مسکین شکم پر نکرد
(سعدی، ۱۳۷۱: ۲۲)

از نظر سعدی نیز انسان آزاده کسی است که مردن را بر سیری در کنار گرسنگان و نیازمندان ترجیح می‌دهد. حاتم در مورد بی‌نصیب نگذاشتن محتاجان از اموال خود زنش را خطاب قرار داده، می‌گوید:

أماوی انی لا أقول لسائلٍ إذا جاء يوماً، حلّ فی مالنا نزرُ
(طائی، ۱۹۹۴: ۶۴)

ترجمه: ای ماویه من به فرد نیازمندی که از من چیزی را طلب کند، نمی‌گویم که اموالم کم شده است.

در اینجا می‌بینیم که حاتم طائی خاطر نشان می‌کند که هیچ‌گاه فرد نیازمند را بدون پاسخ نمی‌گذارد، بلکه او را به سوی خود خوانده و در حدّ توان، مشکلات و گرفتاری‌های او را حلّ می‌کند، و بیشتر از اینکه به فکر خود و خانواده‌اش باشد به فکر دیگران است؛ چون طبیعت و خلق و خوی او به گونه‌ای است که از این کار احساس لذت می‌کند.

سعدی نیز چنین می‌گوید:

مگردان غریب از درد بی‌نصیب مبادا که گردی به درها غریب

بزرگی رساند به محتاج خیر
که ترسد که محتاج گردد به غیر
درون فروماندگان شاد کن
ز روز فروماندگی یاد کن
نه خواهنده‌ای بر در دیگران
به شکرانه خواهنده از در مران
(سعدی، ۱۳۷۱: ۱۳۶)

۲-۱-۲- شجاعت

حاتم شجاعت و بخشندگی را دو جزء جدایی ناپذیر از همدیگر می‌داند؛ این دو به هنگام سختی به هم می‌پیوندند و هر دو با هم فضیلت واحدی می‌سازند. حاتم طائی در بیان کرم و شجاعت خود می‌گوید:

ولی، مع بذلِ المالِ والبأسِ صَوْلَةٌ
اذا الحربُ اُبدتْ عن نواجذِها العِصْلُ
(طائی، ۱۹۹۴: ۲۷)

ترجمه: آنگاه که جنگ دندان تیز خود را نمایان سازد، من بخشنده، شجاع و نیرومند هستم. از مهم‌ترین صفتهای پسندیده در جاهلیت، کرم و شجاعت بود؛ حاتم طائی از جمله بزرگ مردانی بود که همزمان این صفات را دارا بود، او در عین اینکه بسیار بخشنده و بزرگواری بود، بسیار شجاع و باجرات بود و از جنگیدن مقابل دشمن و قرار گرفتن در شدت جنگ، هیچ ترس و واهمه‌ای نداشت و جود و بخشندگی او به خاطر ترس از دیگران نبود بلکه از اخلاق نیکو و طبیعت والای او سرچشمه می‌گرفت، سعدی شیرازی هم به پیروی از حاتم همزمان از بخشش و شجاعت سخن به میان آورد:

که همتای او در کرم نیست
چو اسبش به جولان و ناورد نیست
بیابان نوردی چو کشتی بر آب
که بالای سیرش نپرد عقاب
(سعدی، ۱۳۷۱: ۱۶۶)

او که در بخشش و کرم، یگانه دوران است، بر اسب بی نظیری هم سوار است و چنین اسبی بی‌گمان مرکب انسان شجاع و دلاوری است، پس او در عین حال شجاع و دلاور نیز هست.

۳-۱-۲- مرگ و اجل مقدر

بسیاری از شاعران جاهلی در اشعار خود به شیوه‌های گوناگون به مسأله مرگ و زوال دنیا اشاره کرده‌اند. حاتم طائی زمان پایان زندگی دنیایی را برای انسان مشخص و تعیین شده می‌داند و از آن با کلمه «اجل» یاد می‌کند. این اجل بر صفحه علم ازلی خداوند ثبت شده و انسان‌ها هم به دنبال آن هستند و به عبارتی محتوم و لایتغیر است؛ به عنوان مثال او در بیتی به کلمه «اجل» تصریح می‌کند و حتمیت آن را برای تک‌تک انسان‌ها متذکر می‌شود:

لنا أجلٌ اما تناهي أمامه فنحنُ على آثاره، نتوردُ
(طائی، ۱۹۹۴: ۱۰۴)

ترجمه: همه ما مرگی داریم که پیوسته پیشرو آن هستیم و به دنبال آن قدم بر می‌داریم. هر انسانی در دنیا مدت زمان محدودی زندگی می‌کند، سپس به سرای باقی می‌شتابد و مرگ، همه انسان‌ها را بدون استثنا در می‌یابد. به نظر می‌رسد که چنین نمونه‌ای برگرفته از آموزه‌های توحیدی باشد که پیامبران پیوسته مردمان را به آن ندا داده‌اند و مضمون آن به آیه: *كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَا كَمْ بِاللَّسْرِ وَ- بِرَفْئَةِ وَأَنَا مَرُّ عَوْنٍ* (انبیاء / ۳۵) بسیار نزدیک است.

طبیعی است که سعدی نیز در اشعار و حکایات خود بارها از این حقیقت یاد کند و اجل ثابت مردمان را متذکر شود:

چو سلطان عزت علم برکشد جهان سر به جیب عدم درکشد
(سعدی، ۱۳۷۱: ۱۸۳)

۴-۱-۲- ناپایداری دنیا

حاتم همچنین در بیان ناپایداری دنیا می‌گوید

غینا زماناً بالتصعلکِ والغنی کما الدهرُ فی ایامه العسرُ والیسرُ
(طائی، ۱۹۹۴: ۶۶)

ترجمه: گاه به فقر و گاه به ثروت به سر می‌بریم، آن گونه که زمانه سختی و آسانی دارد.

در این دنیا هیچ چیز برای انسان ثابت نیست؛ چون انسان اختیار و توانایی آن را ندارد که از آن محافظت کند. شاعر که حوادث روزگار را تجربه کرده به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید که دنیا پایدار نیست و انسان نباید به نعمت‌های دنیا مغرور گشته و نیز نباید در اثر فقر و نیازمندی ناامید و مأیوس گردد. این بیت با آموزه‌های دینی کاملاً مطابق و با آیات قرآن شباهت تمام دارد و در آن واژه‌های «عسر» و «یسر» در کنار همدیگر ذکر شده‌اند. خداوند می‌فرماید: «انْ مَعَ الْعَسْرِ سَرًا» (انشراح/۵).

سعدی هم که تحولات و دگرگونی‌های فراوانی را به چشم خود در دنیا دیده است، به این اصل معتقد است. او از دو واژه «عسر» و «یسر» به شب و روز تعبیر می‌کند و ظاهراً کلمه «مع» را به معنی بعد دانسته است که می‌گوید:

دل از بی‌مرامی به فکرت مسوز شب آبستن است ای برادر به روز
(سعدی، ۱۳۷۱: ۳۳۰)

سعدی در جای دیگر به جای واژگان «غنی»، «تصعلک» که در شعر حاتم به آنها اشاره شده، ترجمه‌ای از آنها را در شعر خویش گنجانده است.

هنر باید و فضل و دین و کمال که گاه آید و گه رود جاه و مال
(همان: ۱۵۱)

آمدن و رفتن جاه و مال در واقع همان غنی و تصعلک است.

او همچنین در باب بی‌وفایی دنیا می‌گوید:

جهان ای پسر ملک جاوید نیست ز دنیا وفاداری امّید نیست
(همان: ۹۸)

۵-۱-۲- راستگویی

راستگویی از جمله فضایی است که شاعران (با هر اندیشه و مرامی) از دیرباز سعی داشته‌اند خود را به آن متصف نمایند. حاتم طائی در این زمینه گفتار را با کردار پیوند می‌دهد و همان‌گونه که خود جانب راستگویی نگه می‌دارد، دیگران را نیز به آن دعوت می‌کند:

فاصدق حدیثک، ان المرء یتبعه ما کان بینی اذا ما نعشه حملا
(طائی، ۱۹۹۴: ۵۶۰)

ترجمه: راستگو باش که آدمی آنگاه که بمیرد کردارش به دنبال او خواهد رفت. او راستگویی را وسیله نجات انسان پس از مرگ می‌داند و معتقد است که این خصلت همچون دیگر فضایل پس از مرگ منقطع نخواهد شد و آثار آن در سرای دیگر به یاری انسان خواهد آمد. دعوت به راستگویی در شعر سعدی هم بازتاب دارد و او نیز چون حاتم، دیگران را به راستگویی فرا می‌خواند.

به صدق و ارادت میان بسته دار ز طامات و دعوی زبان بسته دار
(سعدی، ۱۳۷۱: ۲۶)

۶-۱-۲- ایثار و از خودگذشتگی

حاتم طائی به ایثار و از خودگذشتگی توصیه می‌کند و می‌گوید:

اذا كنت ربا للقلوص فلا تدع رفیقک یمشی خلفها غیر راکب
انخها فاردفها، فان حملتکما فذاک، وان کان العقاب فعاقب
(طائی، ۱۹۹۴: ۵۹)

ترجمه: اگر صاحب یک شتر چابک بودی دوستت را پیاده رها مکن. شتر را بخوابان و او را سوار بر شتر کن.

اگر هر دوی شما را حمل کرد که آن بهتر است و گرنه خود پیاده شو و به دنبال او حرکت کن.

ایثار و از خودگذشتگی و تواضع شاعر به او اجازه نمی‌دهد که سوار بر مرکبش باشد، در حالی که دوست و رفیقش پیاده راه می‌رود، بلکه وی را بر خود ترجیح داده و از مرکب پیاده می‌شود و او را سوار بر مرکب می‌کند و منظور شاعر در اینجا ایثار و تواضع و ترجیح دادن دیگران بر خود است که امری بسیار پسندیده و نیکوست. ایثار فضیلتی است که خداوند صاحبان آن را می‌ستاید

ای تروذ علی انفسهم ولو کاذب خصاءة (حشر / ۹).

سعدی شیرازی این نکته اخلاقی را در نواخت ضعیفان این گونه بیان می‌کند و می‌گوید:

بدر مرده را سایه بر سر فکن	غبارش بیفشان و خارش بکن
ندانی چه بودش فرومانده سخت؟	بود تازه بی‌بیخ هرگز درخت؟
چو بینی یتیمی سر افکنده پیش	مده بوسه بر روی فرزند خویش

(سعدی، ۱۳۷۱: ۴۹)

بسیاری از نصایح سعدی حاصل تجربه عملی اوست؛ از جمله این ابیات که از یتیم‌نوازی می‌گوید و خود را مثال می‌زند. او بوسه زدن و مهربانی و محبت نمودن نسبت به فرزند یتیم را بر فرزند دلسوز خود ترجیح می‌دهد و انسان‌ها را به این امر دعوت می‌کند.

۷-۱-۲- قناعت و عزت نفس

حاتم در بیان قناعت و مناعت والای طبع خود می‌گوید:

أبیتُ خميصَ البطنِ مضطمرَ الحشا
حیاء، اخافُ أن أذمَّ أن اتضلعا

(طائی، ۱۹۹۴: ۴۳)

ترجمه: به خاطر شرم و حیا با شکم گرسنه و لاغر شب را سپری می‌کنم، از ترس اینکه مبادا به خاطر پرخوری شکم باد کند و مورد سرزنش قرار گیرم.

انسان کریم و بزرگوار مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح می‌دهد؛ همانگونه که شاعر در این بیت به این مطلب اشاره کرده، می‌گوید: من گرسنگی شدید و با عزت را بر سیری مذموم و با ذلت و خواری ترجیح می‌دهم و این امر بیانگر طبع والا و عزت نفس بالای شاعر است.

سعدی بارها حکایت نیازمندی را باز می‌گوید که چون ترش‌رویی صاحب مال را می‌بیند، صبر اختیار می‌کند و عطایش را به لقایش می‌بخشد:

یکی را تب آمد ز صاحب دلان کسی گفت شکر بخواه از فلان
 بگفت ای پسر تلخی مردنم به از جور روی ترش بردنم
 شکر عاقل از دست آن کس نخورد که روی از تکبر برو سرکه کرد
 (سعدی، ۱۳۷۱: ۳۱۶)

و «حکیمان گفته‌اند: آب حیات اگر فروشد فی‌المثل به آب روی، دانا نخرد. مردن به علت، به از زندگانی به مذلت» (سعدی، ۱۳۷۲: ۲۵۳) و این یکی از اندیشه‌های رایج در همه آثار سعدی است. ولی در نهایت در موقع حاجت، سعدی قناعت و بلند طبعی را برای خود ترجیح می‌دهد:

کهن جامه خویش پیراستن به از جامه عاریت خواستن
 (سعدی، ۱۳۷۱: ۶۰۹)

در حکایت ۳ از باب سوم گلستان آمده است:

«درویشی را شنیدم که در آتش فاقه می‌سوخت و خرقه بر خرقه می‌دوخت و تسکین خاطر خود به این بیت می‌کرد:

به نان خشک قناعت کنیم و جامه دلخ که بار محنت خود به که بار منت خلق
 (سعدی، ۱۳۷۲: ۹۵)

۲-۲- بازتاب شخصیت حاتم طائی در بوستان و گلستان

علاوه بر آنکه در دو کتاب بوستان و گلستان سعدی و دیوان حاتم طائی مضامین مشترکی در باب فضایل اخلاقی وجود دارد و این احتمال را تقویت می‌کند که سعدی اشعار منسوب به حاتم را دیده و از آن بهره گرفته باشد، شاعر بلند آوازه فارس، حاتم طائی را در بزرگی و جوانمردی و راستی و بخشش‌الگوی خود قرار داده، او را به دیگران معرفی می‌کند.

۱-۲-۲- شخصیت حاتم طائی در گلستان

بازتاب شخصیت حاتم طائی در گلستان به گونه‌ای است که سعدی ۳ بار در خلال حکایات به صراحت با تأکید بر فضایل اخلاقی وی، مانند: سخاوت و بخشش، همت و جوانمردی و شجاعت از حاتم یاد می‌کند و سعی دارد شخصیت بی‌نظیر او را یادآور شود و او را با این صفات به مخاطبین خود معرفی کند. سعدی در حکایت ۲۲ از باب سوم گلستان (در فضیلت قناعت) این گونه بیان می‌کند:

«مالداری را شنیدم که به بخل چنان معروف بود که حاتم طائی در کرم. ظاهر حالش به نعمت دنیا آراسته و باطنش بنخیل و بخل آکنده چنان که نانی به جانی از دست ندادی و گربه بوهریره را به لقمه‌ای نخواستی و سگ اصحاب الکهف را استخوانی نینداختی. فی‌الجمله خانه او را کس ندیدی در گشاده و سفره او را سرگشاده...» (سعدی، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

در این حکایت سعدی به شخصیت بخشنده و جود و کرم حاتم طائی اشاره می‌کند و او را در استفاده درست و بجا از مال و اموال مثال می‌زند و در این زمینه او را شهره عام می‌داند. سعدی همچنین در حکایت ۱۴ از باب سوم گلستان صراحتاً از حاتم طائی سخن به میان می‌آورد و می‌گوید:

«حاتم طائی را گفتند: از خود بزرگ همت‌تر در جهان دیده‌ای یا شنیده‌ای؟ گفت: بلی. روزی چهل شتر قربان کرده بودم امرای عرب را. پس به گوشه صحرائی به حاجتی برون رفته بودم. خارکنی را دیدم، پشته‌ای فراهم آورده. گفتمش: به مهمانی حاتم چرا نروی، که خلقی بر سماط او گرد آمده‌اند؟ گفت:

هر که نان از عمل خویش خورد منت حاتم طائی نبرد

من او را به همت و جوانمردی، از خود برتر دیدم (همان، ۹۹).

این حکایت معرفی انسان باشخصیتی است که حاتم طائی به بزرگواری و مردانگی از او یاد می‌کند و شخصیت والای او را یادآور می‌شود.

سعدی در حکایت ۴۶ از باب دوم گلستان (در اخلاق درویشان) این گونه بیان می‌کند:

«حکیمی را پرسیدند که از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت هر که را سخاوت است به شجاعت حاجت نیست.

نماند حاتم طائی ولیک تا به ابد	بماند نام بلندش به نیکویی مشهور
زکوة مال بدر کن که فضله رز را	چو باغبان بزند بیشتر دهد انگور
نشسته است بر گور بهرام گور	که دست کرم به ز بازوی زور
	(همان، ۹۳)

در اینجا نیز سعدی از سخاوت و بخشندگی حاتم طائی سخن می‌گوید و نام و آوازه بلند او را به گوش مخاطبانش می‌رساند.

۲-۲-۲- شخصیت حاتم طائی در بوستان

سعدی در بوستان ۴ بار به صراحت از حاتم طائی در خلال اشعارش نام می‌برد و در این اشعار ارزش‌های والای اخلاقی و اجتماعی حاتم و همچنین شخصیت یگانه او در فتوت و جوانمردی، جود و کرم، شجاعت و شهامت و بلند همتی و مناعت طبع را بیان می‌کند که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

پس از فراگیر شدن نام و آوازه حاتم طائی، سلطان روم از بخشندگی‌ها و شهرت او آگاه می‌شود، سعدی «حکایت حاتم طائی و قیصر روم» را این گونه بیان می‌کند:

شنیدم در ایام حاتم که بود	به خیل اندرش بادپایی چو دود
از اوصاف حاتم به هر بر و بوم	بگفتند برخی به سلطان روم
که همتای او در کرم مرد نیست	چو اسبش به جولان و ناورد نیست

جاگاه حاتم طائی در شعر سعدی شیرازی

سلطان تصمیم به آزمایش او با درخواست هدیه‌ای بسسیار ارزشمند: یک صد شتر سرخ مو یا اسبی بی نظیر و گرانبها می‌گیرد:

که دعوی خجالت بود بی‌گواه	به دستور دانا چنین گفت شاه
بخوادم، گر او مکرمت کرد و داد	من از حاتم آن اسب تازی نهاد
وگر رد کند بانگ طبل تهی است	بدانم که در وی شکوه مهی است

قیصر چند نفر را برای انجام این کار به خانه حاتم می‌فرستد و او اسب خود را برای آنها قربانی می‌کند و نهایت مهمان نوازی را در حق آنها انجام می‌دهد:

برآسود چون تشنه بر زنده رود	به منزلگه حاتم آمد فرود
به دامن شکر دادشان زر به مشت	سماطی بیفکند واسبی بکشت

در نتیجه برای قیصر روم اثبات شد که آوازه و شهرت حاتم بی‌دلیل نیست و به بی‌نظیری او در این امر اعتراف کرد:

که مهمان بخشید دل از فاقه ریش	مروّت ندیدم در آیین خویش
طبیعی است اخلاق نیکو نه کسب	کسان را درم داد و تشریف و اسب
هزار آفرین گفت بر طبع وی	خبر شد به روم از جوانمرد طی

(سعدی، ۱۳۷۱: ۱۶۶)

در باب دوم بوستان (در احسان) سعدی حکایت حاتم طائی را بیان کرده است:

طلب ده درم سنگ فایند کرد	ز بنگاه حاتم یکی پیرمرد
که پیشش فرستاد تنگی شکر	ز راوی چنان یاد دارم خبر
همان ده درم حاجت پیر بود	زن از خیمه گفت این چه تدبیر بود؟
بخندید و گفت ای دلارام حی	شنید این سخن نامبردار طی
جوانمردی آل حاتم کجاست؟	گر او در خور حاجت خویش خواست

در اینجا نیز سعدی به صراحت از بخشندگی و جوانمردی حاتم طائی یاد می‌کند و در ادامه سبب نام و آوازهٔ قبیله بنی طی را مدیون شهرت و نام نیک حاتم می‌داند:

چو حاتم، اگر نیستی کام وی نبردی کس اندر جهان نام طی
ثنا ماند از آن نامور در کتاب تو را هم ثنا ماند و هم ثواب
(همان: ۱۷۳)

آورده‌اند که: پادشاه یمن پس از شنیدن و فراگیر شدن جوانمردی و بخشش حاتم طائی و از ترس اینکه تا حاتم هست کسی نام او را به نیکی یاد نمی‌کند، قصد جان او را می‌کند و کسی را به کشتن او می‌فرستد، این فرد ندانسته و ناخواسته به خانه حاتم می‌رود و مورد مهمان نوازی و کرم وی قرار می‌گیرد.

ندانم که گفت این حکایت به من که بوده است فرماندهی در یمن
ز نام آوران گوی دولت ربود که در گنج بخشی نظیرش نبود
که تا هست حاتم در ایام من نخواهد به نیکی شدن نام من
بلا جوی راه بنی طی گرفت به کشتن جوانمرد را پی گرفت
نکو روی و دانا و شیرین زبان برخویش برد آن شبش میهمان
کرم کرد و غم خورد و پوزش نمود بد اندیش را دل به نیکی ربود

سپس از او سراغ حاتم را می‌گیرد، حاتم دلیل این امر را جویا می‌شود و می‌فهمد که پادشاه یمن سر او را خواسته است:

در این بوم حاتم شناسی مگر که فرخنده رای است و نیکو سیر؟
سرش پادشاه یمن خواسته ست ندانم چه کین در میان خاسته ست

حاتم خود را معرفی می‌کند و در نهایت تواضع، سر خود را برای بریدن فرو می‌آورد، فرستاده از کار خود پشیمان شده و این مسأله را برای پادشاه بازگو می‌کند:

بخندید برنا که حاتم منم سر اینک جدا کن به تیغ از تنم
چو حاتم به آزادگی سر نهاد جوان را برآمد خروش از نهاد

<p>گهش خاک بوسید و گه پای و دست هنرمند و خوش منظر و خو بروی به مردانگی فوق خود دیدمش به شمشیر احسان و فضلم بکشت که مهرست بر نام حاتم کرم (همان: ۱۶۸)</p>	<p>به خاک اندر افتاد و بر پای جست که دریافتم حاتم نامجوی جوانمرد و صاحب خرد دیدمش مرا بار لطفش دو تا کرد پشت فرستاده را داد مهری درم</p>
--	--

در دیوان حاتم طائی آمده است که در زمان رسول خدا (ص) گروهی از افراد قبیله بنی طی را به دلیل نپذیرفتن اسلام نزد پیامبر اکرم (ص) آورده‌اند که ایشان به دلیل بی‌دینی و ناپاکی دستور کشتن این افراد را دادند؛ یکی از این افراد «سفانه» دختر حاتم طائی بود، هنگامی که پیامبر (ص) از این امر مطلع شدند، فرمودند: «او را رها کنید، او پدرش دوستدار ارزش‌های اخلاق بوده و خداوند ارزش‌های اخلاقی را دوست دارد» (ر. ک طائی، ۱۹۹۴: ۱۲).

سعدی این حکایت را در بوستان با نام «حکایت دختر حاتم طائی در زمان پیامبر (ص) این گونه بیان می‌کند:

<p>نکردند منشور ایمان قبول گرفتند از ایشان گروهی اسیر که ناپاک بودند و ناپاک دین</p>	<p>شنیدم که طی در زمان رسول فرستاد لشکر بشیر نذیر بفرمود کشتن به شمشیر کین</p>
--	--

سعدی در این ابیات به بی‌دینی قبیله بنی طی و اسارت تعدادی از آنها و قصد کشتن آنها اشاره می‌کند سپس در ادامه ماجرای معرفی نمودن دختر حاتم به پیامبر (ص) و شناخت وی از جود و کرم حاتم را بیان می‌کند که باعث آزادی وی می‌شود:

<p>بخواهید از این نامور حاکم که مولای من بود از اهل کرم گشادند زنجیرش از دست و پای که هرگز نکرد اصل و گوهر خطا (سعدی، ۱۳۷۱: ۱۷۲)</p>	<p>زنی گفت من دختر حاتم کرم کن به جای من ای محترم به فرمان پیغمبر نیک رای بیخشیدش آن قوم و دیگر عطا</p>
--	---

نتیجه گیری

با توجه به بررسی بوستان و گلستان سعدی می توان اذعان کرد که بخشی از حکایات و اشعار سعدی حاصل تفحص و مطالعه او در آثار گذشتگان است. از درون مایه های اشعار سعدی، پرداختن و توجه نمودن به نتایج اخلاقی حکایات، داستان ها و اشعار است، از این رو اشعار وی شباهت زیادی به اشعار موجود در دیوان حاتم طائی دارد که سرشار از ارزش های والای اخلاقی و انسانی می باشد. جریان های فکری مشترک در اندیشه های ایرانی و عربی، موجب جذب ایرانیان به فرهنگ اسلامی و عربی گشته است و می توان اذعان کرد، سعدی به عنوان وارث فرهنگی آمیخته از اندیشه های اسلامی و عربی، و فردی مسلط بر شعر فارسی و نیز ادبیات عربی، که جهت تحصیل در دیار عرب اقامت گزیده و به مطالعه آثار برخی از شاعران و نویسندگان عرب پرداخته است، با شعر و شخصیت حاتم طائی آشنا بوده که این امر از خلال اشعار وی مشهود است.

با مطالعه بوستان و گلستان سعدی دریافتیم که سعدی ۳ بار در گلستان و ۴ بار در بوستان به صراحت از حاتم طائی در خلال اشعار و حکایاتش نام برده و ۲ داستان از او در گلستان و ۴ داستان نیز در بوستان آورده است که در بیشتر این موارد جود و بخشش و مروّت و مردانگی حاتم را مثال می زند و این شخصیت بزرگ را به مخاطبان خود معرفی می کند.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۹۹۷)، *الشعر و الشعراء*، تحقیق و شرح أحمد محمد شاکر، ج ۳، قاهره: دار التراث العربی.
- ۳- الاصبهانی، أبو الفرج، (۱۹۸۳)، *الأغانی*، تحقیق و اشراف لجنة من الادباء، تونس: الدار التونسية.
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، *حدیث خوش سعدی (در باره زندگی و اندیشه سعدی)*، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- ۵- _____، (۱۳۸۵)، *از گذشته ادبی ایران*، تهران: انتشارات سخن.
- ۶- سعدی، شیخ مصلح الدین، (۱۳۷۱)، *بوستان سعدی*، تصحیح حسین استاد ولی، چاپ هفتم، انتشارات قدیانی.
- ۷- _____، (۱۳۷۲)، *گزیده گلستان سعدی*، به تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.
- ۸- شیخو، الاب لويس، (۱۹۸۲)، *شعراء النصرانیة قبل الاسلام*، ج ۳، بیروت: منشورات دارالمشرق.
- ۹- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۳)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۱/۳، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۱۰- طائی، حاتم، (۱۹۹۴)، *دیوان حاتم طائی*، شرح ابی صالح یحیی بن مدرک الطائی، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ۱۱- الفاخوری، حنا، (۱۳۸۵)، *الجامع فی تاریخ الادب العربی القديم*، چاپ سوم، قم: منشورات ذوی القربی.